

نقش متفکران و تاجران کازرونی در تاریخ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بندر بوشهر (در دوره قاجار)

دکتر سید احمد حسینی کازرونی

استاد زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

کازرون در ۱۸۰ کیلومتری بوشهر و ۱۲۰ کیلومتری شیراز در جلگه‌ای وسیع و با طراوت واقع شده و از اطراف با کوه‌های مرتفع محصور است. کازرون، سرزمین آب و چشمه و رودخانه، مرکز مناطق حفاظت شده محیط زیستی، برخوردار از آب و هوای گوناگون، با کوه‌ها و جلگه‌ها و دشت‌ها، مرغزاران و کشتزاران متعدد، جنگل‌ها و مراتع فراوان، باغ‌های پر از میوه و مرکبات و بوستان‌های مشحون از گل‌های عطراگین، جایگاه شجاعان متفکر، دلاوران متهور و موطن مؤمنان سخت‌کوش، یکی از مناطق ممتاز کشور محسوب می‌گردد.

این سرزمین مرکز نشو و نماي حضرت سلمان فارسی است. «و تاکنون قبرستان سلمان‌ها در قصبه کازرون باقی است و زیارتگاه اهالی آن نواحی است.» گفته‌اند که جناب خاتم الانبیاء (ص) در اواخر زندگانی، خطی نوشتند و مزین به مهر مبارک داشتند که چون نواحی کازرون به دست مسلمانان مفتوح گردد «قبیله سلمان را از جزیه معاف دارند. و آنان سال‌ها در مهد آسایش



بودند.^۱ «از اعیان این قبیله سلمانی، شیخ ابواسحاق کازرونی (متوفی ۴۲۶ق) بوده است که او را در کازرون خانقاهی بود که همیشه درس را بر دوست و دشمن باز می نمود.^۲ این شهر مهد دیرینه مشایخ، سادات، دانشمندان، اندیشمندان، عارفان، نویسندگان و شاعرانی بزرگ است و در بسیاری از برهه‌ها، ابرمردانی را در زمینه‌های مختلف به جامعه عرضه داشته است. بسیاری از این افراد به مقتضای حال، جلای وطن کرده‌اند؛ تا آنجا که عمران و آبادی برخی از بنادر تجاری و اقتصادی و بعضی از شهرهای بزرگ صنعتی ایران، مرهون فعالیت‌ها و خدمات ارزنده بزرگان این خطه است.

رونق تجارت ایران در سواحل جنوب به ویژه بندر بوشهر از دوران قاجار، نتیجه فعالیت بازرگانان کازرونی همچون سلسله ملک‌التجار کازرونی، حاج سید محمدرضا کازرونی و پسران، حاج میرزا غلام حسین گلشن کازرونی، میرزا علی لسان‌المله کازرونی، حاج مختار دوانی کازرونی، آقا شیخ محمد حسینی کازرونی، میرزا غلام حسین صاحب تاجر کازرونی، میرزا حسین کازرونی، میرزا محمود تاجر کازرونی، حاج محمدجعفر صاحب تاجر کازرونی، آقا سید حسن تاجر کازرونی، و دیگر بازرگانان نام‌بردار کازرونی بوده که در جای خود درباره برخی از آنان که شهره آفاق‌اند و از جهت خدمات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی از شهرت بسیار برخوردار بوده‌اند به اجمال سخن به میان خواهد آمد.^۳

برخی از این تجار پس از مهاجرت به بوشهر و به‌دست آوردن علایق و دلبستگی به بندر و دریا و بالاخره حصول دارایی و کسب ثروت در این شهر سکونت اختیار کرده و وطن اصلی خود را پس از سپری شدن ایام، همچون خاندان ملک‌التجار از یاد برده و در اثر کثرت مدت اقامت، شهرتشان از کازرونی به بوشهری تغییر یافته است. اما برخی دیگر مانند حاج سید محمدرضا کازرونی و فرزندان، یا تاجر سرشناس، میرزا علی لسان‌المله کازرونی که با همان شهرت به نمایندگی مجلس برگزیده شد، شهر و دیارشان را همواره به عنوان پسوند نامشان به یادگار نگه داشته‌اند.

تلاش مستمر تجار و تسامح ناصرالدین شاه در برابر خواسته‌های منطقه و از جمله بازرگانان کازرونی مقیم بوشهر، سبب تشکیل «مجلس وکلای تجارت» شد که در واقع نخستین تشکّل



اقتصادی با ویژگی سیاسی پیش از مشروطیت بود که جهت حرکتش به سمت ترقی و پیشرفت بود.^۴

تجار کازرونی، علاوه بر ایفای نقش مالی و تجاری، درخصوص مسائل آموزشی، نخستین مدرسه جنوب کشور (مدرسه سعادت بوشهر) کمک‌های ارزنده‌ای نموده و در پیشرفت فرهنگ این شهر، گام‌های مؤثری برداشته‌اند. این مدرسه - کمی پس از دارالفنون - در سال ۱۲۷۸ ش^۵، به کوشش میرزا احمد دریاییگی (حاکم وقت بوشهر) و به کمک مردم خیر شهر (از جمله مرحوم کازرونی) ساخته شد و به نام «مدرسه مبارکه مظفری سعادت»، مشهور گردید. مدیر و معاون مدرسه، یعنی شیخ عبدالکریم و شیخ محمد حسین، لقب و شهرت خود را از نام این مدرسه گرفتند. ضمناً یادآور می‌شود، قبل از ایجاد بنای مدرسه سعادت بوشهر، محلی را در محله شنبدی (یکی از محلات چهارگانه قدیم شهر) اجاره کرده و حدود ۳ سال این مدرسه، در منزل استیجاری مستقر بود.^۶

سالی چند نوبت، تجار باسواد به مدرسه آمده و در کلاس‌ها از دانش‌آموزان پرسش و امتحان به عمل می‌آوردند. در این خصوص می‌توان به گزارش صورت جلسه مورخ چهارم شوال ۱۳۴۴ ق/ ۱۹۰۵ م وکلای مجلس استناد کرد که تجار در این جلسه خواستار بهبودی کمی و کیفی در امر آموزش دروس می‌شوند.^۷

تجار علاوه بر کمک مالی به مدرسه و نظارت بر کیفیت نظام آموزشی مدرسه، دانش‌آموزان بی‌بضاعت را در مسائل مالی یاری می‌رساندند و به نحوی محصلینی که به خاطر فقر اقتصادی خانواده قادر به ادامه تحصیل نبودند از تسهیلات مالی تجار برخوردار می‌شدند. چنان‌که شادروان حاجی سید محمدرضا کازرونی، در تمامی ایام سال یاور مستمندان و دانش‌آموزان این مدرسه بود.

خاندان ملک‌التجار کازرونی و نقش آنان در اقتصاد بوشهر در دوره قاجار

حاج علی اکبر تاجر کازرونی در حدود ۱۲۱۰ ق/ ۱۷۹۵ م یعنی هم‌زمان با به قدرت رسیدن قاجارها در ایران از کازرون به بندر بوشهر آمده و در آنجا ساکن شد و به امر تجارت مشغول



گردید و در اندک زمانی، ترقی بسیار نمود. وی اولین ملکالتجار شهر بوشهر در دوره قاجار بوده است.^۸ وی دارای دو پسر به نامهای حاج غلامحسین، که او نیز از تجار معروف بود و در سال ۱۲۳۰ق در گذشت و حاج محمد شفیع تاجر کازرونی که او نیز از جمله بازرگانان بزرگ بود. آقامحمدخان شفیع (کازرونی) در دوره قاجاریه به منظور رویارویی با گسترش نفوذ و فعالیت اقتصادی و صنعتی استعمارگران خصوصاً انگلیس و روس در سال ۱۳۰۲ق/۱۸۸۴م به کمک مردم شرکتی به نام «کمپانی تجاری ایران» تشکیل داد که مدیریت آن به عهده خود او بود و سرمایه‌ای معادل ۱/۰۰۰/۰۰۰ روپیه هندوستان یعنی ۳۵۰/۰۰۰ تومان داشت.^۹

حاج غلامحسین تاجر کازرونی، دارای سه پسر به نام حاج عبدالمحمد (ملقب به ملکالتجار اول درگذشته ۱۲۶۹ بدون وارث) پسر دوم، حاج بابا صاحب تاجر (وی از پذیرفتن لقب خودداری کرد) و پسر سوم، آقا محمدعلی ملقب به ملکالتجار دوم. (درگذشته ۱۲۹۵ق بدون وارث).

حاج محمدشفیع تاجر کازرونی هم دارای دو پسر به نام حاج علی اکبر و حاج ابوالقاسم تاجر بود.

حاج بابا صاحب تاجر (کازرونی) نیز دارای دو پسر به نام آقا محمدحسین و غلامحسین بود.

حاج محمدمهدی (کازرونی) فرزند آقا محمدحسین بود که به ملکالتجار سوم معروف گردید. (۱۳۰۷-۱۲۷۷ق). وی دارای سه پسر به نامهای محمدعلی خان، حاج کاظم (ملکالتجار چهارم) و عبدالمحمد بود. از محمدعلی خان نیز فرزندان به نامهای جمشید، عبدالعزیز و عبدالمجید باقی ماند.

ملکالتجار چهارم هم صاحب دو پسر به نامهای حسن و حسین ملکی گردید. آقا محمدعلی (ملکالتجار دوم) یکی از سرمایه‌دارترین تجار ایران محسوب می‌شد تا جایی که فسایی در فارس نامه خود گفته است: از وفور مالالتجاره اگر شخص اول نبود در میانه تجار ایران، لامحاله در شماره شخص دوم محسوب می‌شده است.^{۱۰}



منصب ملک‌التجاری در دوره قاجار معمولاً موروثی بود، بدین جهت لقب ملک‌التجاری در خاندان حاج علی‌اکبر تاجر کازرونی به صورت موروثی درآمد.^{۱۱} این خاندان همواره واسطه بین مردم و حکومت بوده و نه تنها در بوشهر بلکه در سراسر ایران و حتی در خود پایتخت در صحنه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایفای نقش کرده‌اند.

از میان افراد این خاندان، حاج محمدمهدی بوشهری (کازرونی)، ملک‌التجار سوم، مهم‌ترین شخصیت شناخته شده خاندان ملک‌التجار در ایران است. وی به واسطه مکتبی که داشت بارها ضمانت مالیاتی بوشهر و یا بنادر را بر عهده گرفت. به نحوی که اگر او از این کار خودداری می‌کرد، حکام نیز از رفتن به حکومت بوشهر و بنادر خودداری می‌کردند و با این وسیله ملک‌التجار بارها حکامی را که با او همراه نبودند عوض کرد یا مانع از آمدن آنان به بوشهر شد. حاج محمدمهدی شرکتی به نام «کمپانی تجار بوشهر» را برای تجار داخلی و تجارت با اروپا تشکیل داد. این کمپانی ۱۰/۰۰۰ سهم از قرار هر سهم ۱۰۰ روپیه سکه، کلاً مبلغ ده لک روپیه (یعنی یک میلیون روپیه) سکه انتشار داد. این کمپانی در مجلس تجارت بوشهر به ثبت رسید.^{۱۲} همین شخص، نخستین کسی بود که در هنگام گفتگوی بازرگانان تهران با عین‌الدوله، از برپایی مجلس مبعوثان سخن به میان آورد.^{۱۳} در سال ۱۳۰۴ ق/ ۱۸۸۶ م از طرف شاه قاجار حکومت بنادر و جزایر خلیج فارس (با مرکزیت بوشهر) به حاج محمدمهدی ملک‌التجار واگذار گردید. او با قدرت توانست به سلطه شیخ‌نشینان خلیج فارس پایان دهد و حکومت آنان را منقرض کند.^{۱۴} ... هم او بود که در بنادر جنوب، علم دولت انگلیس را کند و علم دولت ایران را برافراشت و بنادر را از چنگ تعدی و تجاوز آنان خلاص کرد.^{۱۵}

حاج شعبان کازرونی

وی مقیم بوشهر بود و به وسایل مختلف، به مرحوم شیخ حسین خان و سایر مجاهدین تنگستان خدمات گرانبهایی کرد. پس از قضیه بوشهر که انگلیسی‌ها در صدد دستگیری و برآمدن، چندین روز در خانه یکی از تجار بوشهر که با او خویشی داشت، پنهان شد. سپس خود را به تنگستان

رسانید و مدتی با یاری و همکاری شیخ حسین خان به مجاهده مشغول شد. وی در اواخر جنگ جهانی اول در بوشهر به رحمت ایزدی پیوست.^{۱۶}

خاندان سعادت

نخستین معلم و مدیر مدرسه سعادت، شیخ محمدحسین کازرونی است و همان‌گونه که مدارک موجود نشان می‌دهد، احمدخان دریاییگی در نامه‌ای که به انجمن معارف تهران نوشته، درخواست معلمی آشنا به طرز جدید تعلیم جهت مدرسه سعادت بوشهر کرده بود. به دنبال این درخواست، از طرف انجمن معارف و وزیر علوم وقت، شیخ محمدحسین کازرونی به بوشهر اعزام و حکم انتصاب وی به این سمت به شرح زیر صادر گردید:

... چون جناب جلالت‌مآب، اجل اکرم، آقای دریاییگی امیر تومان، حکمران بنادر فارس - دام اقباله العالی - برای مدرسه مظفریه موسوم به «سعادت» که به مبارکی و میمنت در بندر بوشهر تأسیس و ایجاد نموده از انجمن معارف خواهش کرده بودند که یک نفر معلم به علم و اطلاع از تربیت تعلیم و تعلم به وضع جدید، خاصه از ترتیبات تحصیلات مدرسه افتتاحیه از انجمن معارف مأمور و روانه بوشهر شود لهذا جناب فضایل مآب آقا شیخ محمدحسین کازرونی که ... از علوم عربیت و ادبیات و حکمت با اطلاع و از معلمین درجه اول مدرسه «افتتاحیه» است که از ابتدای مدرسه مزبوره در آنجا مشغول تدریس و از وضع و ترتیبات کما ینبغی منحصر است برای این کار منتخب و با دستورالعمل لازم روانه مقصد گردید. امیدواریم در این خدمت به ملت و عالم انسانیت بر طبق نیات مقدسه انجمن معارف رفتار نموده و به توفیقات الهی موفق گردد. ان شاء الله.

به تاریخ ذی‌قعدة الحرام ۱۳۱۷ق

مهر: (وزیر علوم) مهر انجمن معارف^{۱۷}

شیخ محمدحسین با سمت مدیری و معلمی به بوشهر فرستاده شد. در اواخر ذی‌قعدة ۱۳۱۷ق/ ۱۸۹۸م به شیراز رسید و برادر خود «شیخ عبدالکریم کازرونی» را که به تحصیل علوم و ادبیات اشتغال داشت برای کمک و همراهی به بوشهر آورد. با ورود این دو برادر به بوشهر، چون



از خانواده‌ای روحانی و سرشناس در منطقه بودند و جدّ آنان مرحوم شیخ عبدالکریم کازرونی یا شبانکاره‌ای، سال‌های متمادی، عالم و پیشوای دینی مردم بودند و در مسجد دهدشتی بوشهر، سمت پیش‌نماز و امام جماعت داشتند، ترس مردم از مدرسه و تعلیمات آن فرد ریخته شد.^{۱۸} اینک به اجمال، این دو شخصیت فرهنگی را معرفی می‌نماییم:

شیخ عبدالکریم سعادت فرزند شیخ محمدعلی مجتهد فرزند ملّا حسن واعظ، فرزند شیخ عبدالعلی، فرزند عالی‌شاه، فرزند قطب‌الدین و برادر کوچک شیخ محمدحسین سعادت کازرونی بوشهری است. شیخ عبدالکریم در سال ۱۲۹۷ق در نجف اشرف متولد شد و هنگامی که پدرش، شیخ محمدعلی برای اقامه نماز جمعه و جماعت و پیشوایی مذهبی مردم کازرون به این شهر آمد. او هفت سال داشت و در همین شهر، مقدّمات فارسی و عربی را آموخت، در سال ۱۳۱۶ق به شیراز رفت و مدّتی در مدارس قدیمه شیراز درس خواند و در سال ۱۳۱۷ق به اتفاق برادرش شیخ محمد حسین جهت اداره امور مدرسه سعادت وارد بوشهر شد. شیخ عبدالکریم در مدرسه سید علاءالدین حسین شیراز، ادبیات و علوم را فرا گرفت و مخصوصاً به ریاضیات تسلط بسیار داشت. جدّ او، شیخ عبدالکریم اول، سال‌ها پیش‌نماز مسجد دهدشتی در بوشهر بوده است.^{۱۹}

شیخ محمدحسین سعادت، فرزند شیخ محمد علی مجتهد و نوه شیخ عبدالکریم اول فرزند ملّا واعظ و برادر شیخ عبدالکریم سعادت کازرونی بود. پدرش شیخ محمدعلی مدت ۲۲ سال در کازرون به ترویج علوم دینی و تدریس فقه مشغول بوده و به همین جهت خاندان سعادت را «کازرونی» نیز گفته‌اند. پس از دعوت به بوشهر، ابتدا به عنوان معلم این مدرسه سپس به مدیریت مدرسه برگزیده شد. در سال ۱۳۴۲ق به نمایندگی مجلس از طرف مردم لارستان انتخاب گردید. مدّت ۱۶ سال مدیریت مدرسه سعادت بوشهر را بر عهده داشت. او فاقد یک دست بود. تألیفات زیادی از او باقی مانده است.^{۲۰}

دیگر معلم‌های کازرونی در مدرسه سعادت

میرزا لطف‌الله کازرونی، فرزند علی‌مراد معلم، متخلّص به مؤید، شاعر معاصر دوره زندگی حاج سید محمدرضا کازرونی. منشی تجارت‌خانه میرزا غلام‌حسین گلشنی کازرونی و معلم ادبیات،



عربی و تعلیمات دینی مدرسه سعادت بوشهر بود. در مقدمه یگانه نسخه خطی «قصیده غدیریه» که اصل آن نزد نگارنده موجود است، شرح حال او به تفصیل آمده است. (ر.ک: همین کتاب، پیوست ها) وی برادر شادروان محمدحسن ادیبی کازرونی است.

خسرو مؤدب (میرزا حاج آقا) بن ابوالحسن کازرونی

از ادبا و نویسندگان و بنیان‌گذاران مدارس جدید در فارس و خوزستان بود. وی در سال ۱۳۰۲ق در کازرون متولد شد. وی پس از تحصیل علوم رایج زمان چون عربی، فقه، اصول، منطق و غیره، هم خود را به ایجاد مدارس جدید و رفع مشکلات نظام سستی آموزش قرار داد و با همکاری برادرش، شیخ محمدحسن واعظ و همکاری ضیاءالواعظین کازرونی اولین مدرسه به شیوه نوین را در کازرون به نام مدرسه هدایت گشود. پس از چندی به دلیل مخالفت‌های عوامانه، این مدرسه تعطیل شد و مرحوم مؤدب به پیشنهاد انجمن معارف خلیج فارس و دعوت حاج شیخ عبدالکریم سعادت به بوشهر رفته و به تدریس ادبیات و تاریخ در مدرسه سعادت پرداخت و برای دانش‌آموزان چندین کتاب درسی تألیف نمود. این کتاب‌ها به سرمایه برخی از تاجران کازرونی در شیراز و بمبئی به چاپ رسیده است. از جمله این آثار می‌توان از کتاب‌های صرف و نحو، قرائت فارسی، آیین سخن، اصول و فروع دین، اصول عقاید و بعثت و هجرت و کتاب انتقاد/التواریخ (به سرمایه سید ابوالقاسم تاجر کازرونی) نام برد.

وی در سال ۱۲۸۴ش، دوباره به کازرون بازگشت و مدرسه‌ای تأسیس کرد. اما دوباره به تعطیلی کشیده شد و مجدداً به بوشهر و خرمشهر بازگشت و مدرسه خزعلیه و اولین مدرسه دخترانه را در دزفول تأسیس کرد. وی در سال ۱۳۳۲ش به رحمت ایزدی پیوست.^{۲۱}

میرزا علی کازرونی

از دیگر شخصیت‌های مهم کازرونی که نقش مهمی در تاریخ بوشهر داشت، می‌توان از میرزا علی کازرونی مشهور به لسان‌المله و صدرالاسلام فرزند میرزا حسین کازرونی نام برد. او ضمن خدمت در تجارت‌خانه حاج محمدحسن کازرونی و ابراز لیاقت بسیار، در محضر شیخ اسماعیل فاضل آل‌عبدالجبار در بوشهر به تحصیل پرداخت و صرف و نحو و منطق و معانی و شرایع را فراگرفت و به واسطه دیانت و وطن‌دوستی در بین مردم محبوبیت یافت. او در کار تجارت نیز

امین و دقیق بود. وی در مقابله با انگلیسی‌ها در تجاوز سوم (۱۳۳۳) به بوشهر، دوش به دوش تنگستانی‌ها و دشتستانی‌ها به مبارزه قلمی و قدمی پرداخت. در سال ۱۳۲۴ ق و در زمان حکومت احمدخان دریاییگی از طرف مردم بوشهر به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب و سپس به وکالت انجمن ولایتی برگزیده شد. در استبداد صغیر توسط محمدعلی‌شاه، به مخالفت شدید با استبداد برخاست و چون از طرف ملاکاظم خراسانی اجازه داشت با همکاری سید مرتضی علم الهدی مجتهد اهرمی و رییس‌علی دلواری، ادارات دولتی بوشهر را تصرف و رؤسای ادارات را معزول کرد. و معزالدوله، برادر آصف الدوله را، که حکمران بوشهر بود، به شیراز فرستاد و اداره گمرک را از دست بلژیکی‌ها گرفت و موسس‌خان ارمنی (درگذشته ۱۳۱۱ش) را به ریاست گمرک منصوب کرد و خبر نهضت بوشهر به همه نقاط ایران مخابره شد. ... همزمان با جنگ بین‌الملل اول، کازرونی با جسارت بسیار علیه منافع استعمار انگلیس در خلیج فارس تلاش فراوان کرد. و با مرحوم رییس‌علی دلواری دوستی نزدیک برقرار نمود و هنگامی که انگلیسی‌ها تجارتخانه (وانکهاوس) و شرکای آلمانی او را در بوشهر تعطیل نمودند و وانکهاوس و همسرش را اسیر و به هند تبعید کردند، بی‌طرفی ایران شکسته شد، کازرونی بر مخالفت خود با بیگانه افزود و تلگرافی بدین مضمون از قول مردم به تهران مخابره کرد: «ما وطن خود را به واسطه سستی مرکزبان با بدبختی و خطر مواجه می‌بینیم و بعد از این بدون مراجعه به شما و کمترین امیدواری به تهران، شخصا از خاک و شرافت ملی خویش دفاع خواهیم کرد».

وی در سال ۱۳۱۰ش از طرف مردم بندرعباس به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و در سال ۱۳۱۲ش به رحمت ایزدی پیوست.^{۲۲}

طبیان کازرونی

از جمله شخصیت‌های کازرونی مؤثر در فرهنگ و تاریخ بوشهر، می‌توان از میرزا محمدحسین شیخ‌الحکما و برادرش محمدجواد ناظم‌الحکما نام برد.

میرزا محمدحسین فرزند علی‌محمد کازرونی ملقب به شیخ‌الحکما از اطبا و شعرا و دانشمندان معاصر است. صاحب اعلام‌الشیعه می‌نویسد: در نجف فقه و اصول و فلسفه و غیرها



بیاموخت و از استادش میرزا محمدعلی رشتی چهاردهمی اجازهٔ اجتهاد گرفت. علم طب را از پدرش آموخت. وی در اکثر علوم مخصوصاً فلسفه و علم‌الادیان متبحر شد. آدمیت دربارهٔ او می‌نویسد: مردی دانشمند و نویسنده‌ای توانا و طبیبی حاذق بود که از راه طبابت اعاشه می‌کرد. از او دیوانی در حدود دوهزار بیت باقی مانده. کتابی قطور در تاریخ و جغرافیای فارس به سبک *فارسنامهٔ ناصری* و *آثار عجم* نوشته و تصاویر زیادی در آن آورده که خود نقاشی کرده بود. از تألیفات اوست:

ملکوت السماء فی ردّ النّصاری

نسخ/آثار (در تاریخ بوشهر)

رساله‌ای در نبض

تاریخ و جغرافیای کازرون

دیوان اشعار.^{۲۳}

حاج میرزا محمدجواد فرزند علی محمد ملقب به ناظم‌الحکما از اطبا، شعرا و دانشمندان معاصر بود که در کازرون متولد شده است. پس از تحصیل مقدمات به عراق عرب رفته و از محضر درس حاج میرزا محمدحسن مجدد شیرازی و سایر علمای سامره و نجف کسب فیض می‌نماید. بنا به نوشتهٔ آدمیت وی زبان‌های عربی، انگلیسی و فرانسه را به حد کمال می‌دانسته و در ادب فارسی و نویسندگی دست توانایی داشته است. طب قدیم و جدید را در هند و ایران فرا گرفته و در بیمارستان‌های بمبئی طبابت می‌کرده است. به‌علاوه از علوم غربیه اطلاع کافی داشته، پس از مراجعه از هندوستان در بندر بوشهر محضر سیدجمال اسدآبادی را درک نموده، از آن به بعد در جرگهٔ آزادی‌خواهان وارد شده است. در اوایل مشروطه‌خواهی با مساعدت برادر بر ضد استبداد قیام می‌نماید و انجمن اتحاد اسلام را تشکیل می‌دهد. این دو برادر در بیداری مردم بنادر سخت مؤثر بوده‌اند. وی در شعر حکیم تخلص می‌نموده و دیوان اشعار و رسالاتی داشته که ظاهراً از بین رفته‌اند. ناظم‌الحکما در سال ۱۳۰۷ شمسی در بندر بوشهر درگذشته و شاعری به نام ادیب تاریخ مرگش را در این بیت گفته است:

سال فوت حکیم خواست ادیب گفت: بدرود ناظم‌الحکما^{۲۴}



خاندان موسوی کازرونی

از جمله خاندانهای کازرونی ساکن بوشهر که مصدر خدمات ارزنده‌ای در بوشهر بوده‌اند می‌توان از خاندان موسوی کازرونی نام برد. این خاندان علاوه بر خدمات علمی، سال‌ها با داشتن محضری معتبر در بوشهر، امور ثبت و ضبط اسناد و عقود مردم بوشهر را انجام می‌داده‌اند. سیدمحمدشفیع موسوی فرزند سیدمحمدتقی (مؤلف کتاب شرح درّه نجفیه، تألیف ۱۲۲۳ق) در سال ۱۲۷۰ق در کازرون متولد شد. در بیست و یک سالگی همراه پدر به بوشهر مهاجرت کرده و پس از آن برای ادامه تحصیل علوم دینی راهی عتبات عالیات شد. و سالیانی در محضر میرزای شیرازی کسب علم کرد و به مرتبه رفیعی در علوم دینی نایل آمد. وی در سال ۱۳۱۰ق به بوشهر مراجعت کرد و عهده‌دار تبلیغ و امامت جماعت و تدریس گردید. وی در سال ۱۳۲۹ق در نجف اشرف دار فانی را وداع گفته و در گورستان دارالسلام مدفون گردید. سیدمحمد شفیع دو پسر داشت. اول سیدمحمد مهدی که پس از نه ماه از مرگ پدر، در سامرا درگذشت. و دیگر سیدمحمدتقی که از شاگردان شیخ محمدتقی شیرازی (میرزای دوم) بود. این هردو فرزند دارای تألیفات ارزشمندی بوده‌اند. این خاندان کتابخانه‌ای بزرگ داشته که در بوشهر محل رجوع علما و طلاب بوده است.^{۲۵}

محمدجواد هوشمند

روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر (متخلص به هوشمند) فرزند کربلایی شعبان‌علی موحد تاجر کازرونی است. وی در سال ۱۲۷۸ش در بوشهر به دنیا آمد و در مدرسه سعادت تحصیل نمود. سپس به کراچی رفت و در آنجا زبان انگلیسی را آموخت. پس از بازگشت به بوشهر، در سال ۱۳۰۸ش روزنامه سعادت بشر را منتشر کرد. این روزنامه تا سال ۱۳۱۴ش به صورت غیرمرتب چاپ می‌شد. این روزنامه در سال ۱۳۱۵ توقیف شد و هوشمند به زندان افتاد. پس از رهایی از زندان، دوباره روزنامه را منتشر کرد و دوباره به زندان افتاد. سرانجام در ۱۳۲۰ به کاشان تبعید شد و در همان سال چون اوضاع ایران تغییر یافت، به تهران آمد و تا زمان فوتش در ۱۳۳۶ روزنامه را منتشر می‌کرد. از دیگر آثار وی می‌توان از دوره تمدن، تاریخ پرنس ارفع دانش، جنبش بانوان و جنبش‌های دهقانی نام برد.^{۲۶}

زندگی و شرح احوال حاج سید محمدرضا تاجر کازرونی

سید محمدرضا کازرونی فرزند سید محمود و نوه حاجی کاظم در سال ۱۲۴۴ش در کازرون متولد شد. او از خاندان سادات صحیح‌النسب طباطبایی به شمار می‌رفته و دارای معتقدات استوار مذهبی بود. مرکز اصلی «خاندان کازرونی» فهلیان بود که در آن زمان بخشی از کازرون شمرده می‌شد. خانواده او در اوایل دوره قاجار به شهر کازرون کوچ کرده و در آنجا به کشاورزی و دامداری پرداختند.

«شایان ذکر است که سادات طباطبایی کازرون و شولستان و بهبهان، مشترکاً شعبه‌ای از بنی طباطبای یمن و از نیرگان امام یحیی الهادی الی‌الحق، امام و فقیه و نامدار زیدی‌اند. وی به سال ۳۸۰ق بر معتضد عباسی خروج کرد و سلسله ائمه طباطبائی یمن را بنیاد نهاد. نوه وی ابومحمد اسماعیل، ملقب به القاضی المحل یا القاضی المجلی (با اختلاف نسخ) در جوانی به بغداد هجرت کرد و بنا به تصریح منابع معتبر انساب، چون فصول فخریه، احفاد وی در بغداد و خوزستان منتشر شدند. بعدها شعبه‌ای از بنی اعمام سیدفقیه نیز به کازرون و شولستان و آن حوالی کوچیده‌اند که سادات طباطبائی کازرون و فهلیان از بازماندگان همانندینند. اما زمان این هجرت به درستی روش نیست. قدر مسلم آنکه این تیره در اوایل قرن نهم در کازرون و آن حوالی سکنا داشته‌اند. فضلا و مجتهدین نامداری از این تیره برخاسته‌اند و منصب شیخ‌الاسلامی شولستان نیز در همین خاندان بوده است. از زمره نامداران این بیت شریف است: حضرت سید شرف‌الدین علی بن حجه‌الله طباطبائی شولستانی (م. ۱۰۶۰) که شیخ اجازه علامه مجلسی اول بوده که مصنفات ارجمنندی از او به جای مانده است. از دیگر اعیان این سلسله جلیل می‌توان از علامه سید نظام الدین میرشاه محمود بن میرمحمد طباطبائی شولستانی را نام برد که از تلامذ شهیدثانی و میرغیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی است.^{۲۷}»

کازرون برای کشاورزی و دامداری سرزمینی مستعد است، مردم آن، پرکار، فعال و باهوشند. حاج سیدمحمود، پدر حاج سید محمدرضا کازرونی، کشاورزی متدین و درست‌کار و در میان مردم منطقه به دین‌داری و امانت‌داری مشهور بود. وی سه پسر به نام‌های سید مرتضی، سیدابوطالب و سیدمحمدرضا داشت که بعدها هریک در منطقه خود سرآمد روزگار شدند.



سید محمدرضا، از دوران جوانی، بلندپرواز و پرتلاش بود و چون محیط کازرون را که بر سر راه بوشهر و شیراز قرار داشت برای خود کوچک می‌بیند و از جهت دیگر، چون آوازه و شهرت فعالیت و کسب و کار را در بندر بوشهر شنیده بود، در ۱۶ سالگی (در سال ۱۲۶۰ش) راهی این بندر گردید و به امر تجارت اشتغال ورزید. وی مدت ۴۷ سال با تجارت، صادرات و واردات، مبادلات کالا در داخل و خارج از کشور از شهرت بین‌المللی برخوردار شد. در آن زمان در ساحل شرقی بندر بوشهر، تجارت‌خانه و تیمچه‌های^{۲۸} (سراهای بازرگانی) متعددی وجود داشت که بازرگانان ایرانی^{۲۹} (از شیراز، کازرون، بهبهان، اصفهان، فسا، رشت و ...) از هر سوی به این بندر که در آن روزگار، دروازه تجارت ایران نامیده می‌شد، روی می‌آوردند و به امور بازرگانی و صادرات و واردات با شبه قاره هند و زنگبار و از آن طریق با کشورهای آسیایی، آفریقایی، اروپایی، و آمریکایی می‌پرداختند. قسمتی از واردات تجارت‌خانه مرحوم کازرونی، از اروپا و آمریکا نفت و شمع بود که برای تأمین روشنایی شهرها در آن روز این دو کالا وارد این بندر می‌گردید.

او در ابتدای ورود به دلیل سیادت و اعتقاد عمیق به مقدسات مذهبی، توانست امین مردم گردد. در همین زمان برای رتق و فتق امور بازرگانی، حجره‌ای در «کاروان‌سرای نوایی»^{۳۰} اجاره کرده و به داد و ستد مشغول شد. خانه کوچکی هم جنب مسجد جمعه^{۳۱} بوشهر برای بیتوته خریداری کرد. وی مدت ۳۰ سال در کاروان‌سرای نوایی به کسب و کار پرداخت.

مرحوم آدمیت، چهره و شخصیت سید محمدرضا کازرونی را چنین توصیف می‌کند:

این شخصیت محترم دارای چهره گرد و نورانی، قامتی معتدل و بدنی فربه، و ریش کمی داشت که حنا بسته بود و لباس او در کمال سادگی و بی‌اعتنایی ولی پاکیزه و نظیف بود. قبایی از ابره آبی‌رنگ به ریسمانی پوشیده، روی آن شال‌قد باریک پیچیده. عبای پشمی نازک نجفی نیز روی دوش انداخته بود. روی هم رفته، وضع قیافه و لباس ساده او طوری بود که انسان را مجذوب می‌نمود و بی‌اختیار میل می‌کرد که او را به دیده احترام بنگرد.^{۳۲}

اقدامات خیرخواهانه کازرونی

نحوه کمک‌ها و مساعدت‌ها

سیدمحمدرضا تاجر کازرونی در انجام امور خیریه و رسیدگی به وضع درماندگان، همیشه پیش‌قدم بود و در این راه از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزید. در زیر به برخی از اقدامات خیرخواهانه او فهرست‌وار اشاره می‌شود:

۱. تهیه لباس، کتاب، نوشت افزار و پرداخت مقرری هفتگی و ماهانه به دانش‌آموزان و طالبان علم.

۲. پرداخت مخارج به مستمندان، یتام، مساکین و غربا و هزینه‌های درمانی مستحقان.

۳. اطعام در ماه مبارک رمضان، محرم و صفر، اعیاد مذهبی و برپایی مراسم دینی.

۴. ایجاد کار برای نیازمندان به طرق گوناگون در امور ساختمانی، کشاورزی، دامداری، کشتی‌رانی، باربری و حمل و نقل دریایی، زمینی، هوایی، اموربازرگانی و نظایر آنها. که با این اعمال، تعداد زیادی از نیروهای غیر ماهر، جذب بازار کار شده و با کسب مهارت، بدین گونه ارتزاق می‌کردند.

۵. در سال وبایی، با پرداخت هزینه درمانی بیماران، کفن و دفن از دست رفتگان، رسیدگی و تامین مخارج خانواده‌ها، کمک‌های بسیاری به مردم جنوب کرد.

۶. در زمان قحط‌سالی^{۳۳} جنوب، کازرونی به اتفاق خیران دیگر، به ایجاد مخازن آب در کوی و برزن‌های شهر و حومه بوشهر پرداختند. مشارالیه آب انبارهای بزرگی را در عمارت مسکونی و مرکز تجاری خود، همچنین در مساجد شنبدی، حسینیه کازرونی، بنگاه باربری و منازل که در شهر ساخته بود، ایجاد کرد. کمک‌های شایانی را به مردم این منطقه نمود و آنچه را که در توان داشت برای نجات مردم شهر دریغ نورزید. تا جایی که با هم‌فکری دیگران به تهیه کالابرگ (کوپن) برای دریافت ارزاق عمومی، نظیر گندم، شکر، چای، روغن، برنج، آرد، خرما، نان، پارچه، شمع (برای روشنایی) و سایر مایحتاج دیگر پرداخته و با نظمی خاص، آنها را در اختیار مردم بوشهر قرار دادند و بدین گونه محترمان خدانشناس را از احتکار بازداشته و از آسیب و مرگ بسیاری از مردم جلوگیری کرد.



۷. امور فرهنگی. وی جزو نخستین هیئت امنای اولین مرکز فرهنگی تعلیم و تربیت جنوب کشور یعنی مدرسه «سعادت» بوشهر، که سالیانی پس از دارالفنون تأسیس شده بود، لازم به توضیح است که با کمک هیئت امنای متشکله، اولین مدرسه فرهنگی کشور، موزه و لابراتواری^{۳۴} مجهز در آن مدرسه دایر شد در این موزه، ضمن نگهداری اشیای تاریخی، تابلوهای نقاشی بسیار ارزشمند، اثر استادان و نقاشان زبردست ایرانی و خارجی چون رضا عباسی و دیگران قرار داشت. در آزمایشگاه مجهز مدرسه، محصلان زیر نظر استادان فن به تهیه صابون، واکس، شمع و سایر اقلام ترکیبی عناصر می‌پرداختند. کتابخانه بزرگی^{۳۵} هم توسط هیئت امنای آن مدرسه ایجاد گردیده که دارای کتب خطی قدیمه، کتب درسی^{۳۶} چاپ هند و دیگر کشورها بود که از خارج وارد می‌گردید. همچنین، مجلات و نشریات داخلی و خارجی که حاوی آخرین اخبار و اطلاعات دنیای آن روز بود، از طریق اشتراک مرتباً به این کتابخانه می‌رسید. برای خودگردانی و تأمین مخارج مدرسه از جمله استخدام و پرداخت حقوق معلمان و کارکنان، مرحوم کازرونی و دیگر اعضای هیئت امنای مدرسه، تصویب‌نامه‌ای را گذراندند مبنی بر پرداخت ۵۰ دینار^{۳۷}، از هر عدل یا نگله کالای صادراتی یا وارداتی که از مبدا بندر بوشهر انجام می‌گرفته، به نفع مدرسه سعادت، از صاحبان کالا اخذ و به صندوق مدرسه در برابر قبض رسید واریز نمایند که آن مرحوم، مساعی لازم را در این امر مبذول داشته است. این عمل تا زمان تأسیس اتاق بازرگانی بوشهر ادامه داشت. پس از آن اتاق بازرگانی مبالغ جمع‌آوری‌شده را صرف تهیه لباس برای دانش‌آموزان شهر می‌کرده است.^{۳۸}

۸. امور مذهبی، ایجاد مساجد و تکایا (تجدید بنای مساجد شنبیدی و حسینیه مشهور به حسینیه کازرونی) برای زنده‌نگه‌داشتن شعایر مذهبی، روضه‌خوانی، کمک به علما و طلاب علوم دینی، تشکیل جلسات قرائت قرآن، برپایی مجالس ضیافت به مناسبت اعیاد مذهبی فطر، قربان و غدیر خم و سایر موقعیت‌های مذهبی و دینی با دعوت از عامه مردم. (این ضیافت‌ها جملگی زبانزد مردم بود) به نحوی که یکی از شاعران معاصر او، آقا میرزا لطف الله کازرونی، اشعار غزایی در وصف ضیافت‌های کازرونی در اعیاد غدیر خم سروده است.

۹. پرداخت همه‌نوع هزینه جهت مقابله با کفار و اجانب از جمله تهیه و خرید اسلحه برای مرحوم رییس‌علی دلواری و یاران این قیام.

عملیات بازرگانی، و عمران و آبادی

وی پس از کسب اعتبار و موفقیت در امر تجارت، اقدام به خرید قطعه‌زمینی در ساحل شمال شرقی بندر برای ایجاد ساختمان بزرگی در نزدیکی آن کاروان‌سرا نمود. قسمتی از این ساختمان، دارای دو اشکوب و قسمتی دیگر در سه اشکوب ساخته شد که قسمتی از این بنا هنوز هم به حالت اولیه خود باقی‌مانده است.

بنای این تجارت‌خانه بزرگ که به «تجارت‌خانه حاج‌سید محمدرضا کازرونی و پسران»^{۳۹} مشهور شد، یکی از ساختمان‌های تجاری بزرگ جنوب محسوب می‌گردید که بر لنگرگاه بندر بوشهر کاملاً اشراف داشت. در بنای این ساختمان که حدود صدسال قبل ساخته شده بعضاً از مصالح مرغوب، نظیر سنگ‌های فسیلی، گچ خارک^{۴۰} و اهرم^{۴۱}، گل دراشکفت^{۴۲}، ساروج محلی، همچنین سیمان خارجی، تیرهای چوبی و تخته‌ها و ابزارهایی که از هند و زنگبار آورده شده بود استفاده شده و بنای آن در طول سه سال ساخته شد و کالاهای صادراتی و وارداتی در آنجا نگهداری می‌شد. آب‌انبارهای بزرگی نیز برای نگهداری آب باران در محوطه این تجارت‌خانه احداث شد که مردم محل مجاناً، و به طور مستمر از آب تمیز و پاک آب انبارها برای شرب خود استفاده می‌کردند. طبقه اول این مرکز بازرگانی، متشکل از اتاق‌های وسیعی که پیرامون آنها از چهار طرف، ایوان‌هایی با سقف‌های مرتفع، احاطه کرده است. در قسمت غربی ساختمان، قسمتی را به نمازخانه اختصاص داده و بخشی دیگر را برای نهارخوری، آشپزخانه، دست‌شویی و ... سازمان‌دهی کرده بود.

سازمان اداری این مرکز شخصی، در طبقات فوقانی قرار داشت در چارت سازمانی این تشکیلات، حدود ۱۰۰ کارمند، منشی، مترجم و کارگر دایمی مشغول کار بودند. برخی از آنان نظیر «میرزابابا»^{۴۳} که تحصیلات تکمیلی خود را در خارج از کشور گذرانده از حقوق ماهیانه بسیار خوبی^{۴۴} برخوردار بود.



کالاهای صادراتی این تجارت‌خانه، شامل: کتیرا، گردو، پسته، خرما، بادام کوهی (بخورک)، پسته کوهی (بنه، بنک)، آنقره، صمغ درختی (زدو)، برخی از اقلام بنشن و نظایر آن بوده که لازم می‌آمد این کالاها، پاک و تمیز درجه‌بندی گردد تا مرغوبیت جهانی پیدا کند. با این عمل، عدّه زیادی از زنان و مردان را به کار مشغول می‌داشت و از سوی دیگر، محصولات صادراتی کشور را با کیفیت عالی صادر می‌کرد.

بخشی از این مرکز بازرگانی به امور کشتی‌رانی و بخش دیگری به دفتر شعب هواپیمایی خارجی اختصاص داده شده بود. در محل دفتر کار مرحوم حاج سید محمدرضا کازرونی، اتاق بزرگی برای نگه‌داری کتاب و نوشت افزار وجود داشت که دانش آموزان مدرسه سعادت در آن زمان مجاناً از آن امکانات، همچون کتاب، لوازم التحریر، لباس، هزینه تحصیلی و امرار معاش بهره‌مند می‌گردیدند.

بخشی از تجارت مرکز بازرگانی کازرونی با کشور چین بود که به صورت پایاپای انجام می‌گرفت و واردات این تجارت‌خانه از آن کشور، چای، قند، شکر، پارچه، روغن، برنج، ادویه ظروف چینی، صنایع مستظرفه و کارهای دستی نفیس بود؛ و در برابر آن، کتیرا، صمغ‌های نباتی، پسته، گردو، بادام و دیگر اقلام نباتی صادر می‌گردید.

نمایندگی هواپیماهای خارجی

حدود یک‌صد سال پیش دولت ایران با دولت‌های آلمان، هند و فرانسه در مورد خطوط هوایی، قراردادهایی مبنی بر ارتباطات هوایی و بین‌المللی منعقد کرد. بدین ترتیب که شرکت‌های هواپیمایی «K.L.M» (هلندی) «ارفرانس» (فرانسوی) و «یونکرس» (آلمانی) با ایران از طریق بندر بوشهر ارتباط هوایی و فرودگاهی داشته باشند. برای انجام این منظور و پذیرایی از خلبانان، کادر خدماتی پرواز و مسافران هواپیماها، لازم بود که مهمان‌خانه آبرومندی با کلیه وسایل مدرن آن روز آماده سرویس‌دهی داشته باشد. دولت وقت ایران در آن روزگار برای انجام چنین کاری عاجز بود. لذا به مرحوم کازرونی پیشنهاد شد که برای حفظ وجهه مملکت، ترتیب ساختمان هتلی را در اسرع وقت با امکانات سرویس‌دهی منظم در بوشهر دایر کند. مشارالیه به علت کثرت مشغله



بازرگانی از انجام این کار سر باز زد ولی چون حیثیت اجتماعی کشور مد نظر بود، سرانجام پذیرفت و این کار را با حفظ شرایط به انجام رسانید.

به علاوه در کنار آن هتل، ساختمان مجهز دیگری بنا نهاد تا وسایل و ابزارآلات یدکی هواپیما در آنجا نگهداری شود. که در مواقع اضطراری، از آن قطعات برای تعمیر هواپیماها استفاده شود.

همچنین ساختمان دیگری نیز برای توقف مسافران هواپیما و تأمین آسایش آنها و رفع نیازشان از نظر مواد غذایی به وجود آورد. اغلب شب‌ها که این هواپیماها در زمین‌های خاکی بوشهر فرود می‌آمدند. راهنمایان فرودگاه با چراغ‌های بادی رنگی، هواپیماها را برای نشستن هدایت می‌کردند. لازم به توضیح است که بیشتر زمین‌های فرودگاه در گذشته و حال از جمله املاک اوست.

پی‌نوشت‌ها

۱. فارس‌نامه ناصری، ج ۲، ص ۱۴۳۷.
۲. همان، ص ۱۴۳۸.
۳. گزارش‌های کاکس، ص ۸۱ و ۸۲ (به نقل از: تاریخ اقتصادی اجتماعی بوشهر، و جنوب ایران در مبارزات ضد استعماری، ص ۴۶).
۴. افکار اجتماعی و ...، ص ۳۳۰.
۵. جشن افتتاح دارالفنون در یکشنبه پنجم ربیع‌الاول ۱۳۳۸ق در تهران برگزار گردید (از صبا تا نیما، ج ۱، ص ۲۵۴).
۶. در سال ۱۳۷۸ش به مناسبت صدمین سال تأسیس مدرسه سعادت، مراسمی ویژه در بوشهر برگزار گردید.
۷. احمد دشتی، نقش تجار در مدرسه سعادت، ص ۸۶.
۸. فارس‌نامه ناصری، ج ۲، ص ۱۳۲۳.
۹. حاج امین‌الضرب و تاریخ تجارت و ...، ص ۶۲۷.
۱۰. فارس‌نامه ناصری، ص ۱۳۲۴.
۱۱. مرآة البلدان، ج ۳، ص ۱۶۱۵.
۱۲. حاج امین‌الضرب و تاریخ تجارت و ...، ص ۶۲۹ - ۶۲۷.
۱۳. کتاب نازنجی، ج ۱، ص ۱۰۲.
۱۴. سفرنامه، سدیدالسلطنه، ص ۱۴ و ۶۰۶.
۱۵. اسنادی درباره هجوم انگلیس به ایران، ص ۴۱.
۱۶. جنبش ضد استعماری جنوب ...، ص ۶۳.

۱۷. شیخ عبدالکریم سعادت، «مدرسه سعادت بوشهر»، ص ۲۹.
۱۸. همان، ص ۱۵.
۱۹. دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ج ۳، ص ۹۸.
۲۰. همان، ص ۹۵.
۲۱. دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ج ۴، ص ۵۵۸ و ج ۵، ص ۵۵۹.
۲۲. فارس و جنگ بین الملل، (به نقل از فرهنگ‌نامه بوشهر، ص ۴۹۲-۴۹۴).
۲۳. پزشکان نامی پارس، ص ۱۰۲.
۲۴. همان، ص ۵۴.
۲۵. علی صدراپی خویی، کتابخانه سیدمحمدشفیع کازرونی بوشهری، کازرونیه (زیر چاپ).
۲۶. دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ص ۸۷۳-۸۷۲.
۲۷. سید محمد طباطبایی (منصور)، خاندان طباطبائی فارس، کازرونیه (دفترسوم)، در دست انتشار.
۲۸. تیمچه: سرایی دارای چنددکان که محل دادوستد تاجران بوده است.
۲۹. در آن زمان بازرگانان جنوب (به ویژه بندر بوشهر) از بازرگان معتبر کشور بودند.
۳۰. کاروان‌سرای نوابی: از قدیم‌ترین کاروان‌سراهای شهری بوشهر بود که در حدود ۱۵۰ سال قبل در کنار گمرک‌خانه نزدیک به ساحل دریا توسط شخصی به همین نام ساخته شده بود مدت‌ها حجره‌های احدائی در آن، در اجاره برخی بازرگانان بود. بعدها کاروان‌سرای نوابی، مرکز تجارت‌خانه حاج خلیل دشتی و سرانجام، حاج عبدالحسین دشتی گردید (این ساختمان در چند ساله اخیر جهت توسعه اداره کل بندر و کشتیرانی به کلی تخریب و جزو معدود باراندازهای بندر گردید).
۳۱. این ساختمان کوچک، هم اکنون جزو املاک وقفی مرحوم کازرونی است.
۳۲. مرحوم آدمیت به نقل از جنبش ضداستعماری جنوب و ... ص ۶۵.
۳۳. این قحط‌سالی به مدت ۵ سال به درازا کشید.
۳۴. اولین آزمایشگاهی است که در مدارس ایران به طرزی نوین به وجود آمده است.
۳۵. این کتابخانه که دارای کتب خطی عدیده و نشریات منتشره داخلی و خارجی بوده و در سال ۱۲۷۸ش از کتابخانه‌های معتبر کشور شمرده می‌شده است. متأسفانه بعدها، این کتابخانه دچار بی‌مبالاتی گردیده و تعدادی از کتب گرانبهای آن به یغما رفته است.
۳۶. بیشتر کتب درسی، توسط معلمان مدرسه سعادت بوشهر تهیه و تدوین می‌گردیده و برای چاپ به هند فرستاده می‌شد و در حداقل زمان، کتاب چاپ و پیش از آغاز سال تحصیلی، به‌رایگان در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گرفت.
۳۷. بعدها، این مبلغ به یک ریال افزایش یافت.
۳۸. پس از تاسیس وزارت فرهنگ در دوره رضاخان، چون تعداد مدارس، در ایران رو به افزایش گذاشت، به دستور دولت، حقوق معلمان همچون سایر کارکنان وزارتخانه‌ها، از بودجه دولتی پرداخت گردید. بنابراین، این نوع کمک‌ها، صرف تهیه و خرید کتاب، لباس و نوشت‌افزار برای دانش‌آموزان نیازمند گردید.
۳۹. این ساختمان با وضع قدیم خود در محدوده اداره کل بندر و کشتیرانی بوشهر قرار گرفته است. (ساختمان فعلی باشگاه ملوانان)
۴۰. خارک: این جزیره در زمان‌های مختلف به نام‌های آراکیا - آرخیه - ایکار - و در قرن اخیر، ام الرباعین خوانده شده است. نام اخیر بدین جهت بوده که بیشتر ناخدایان ایرانی در این جزیره تربیت شده و یا خارکی بوده اند. خارک، جزیره‌ای است کوچک به طول هشت و عرض چهار کیلومتر و فاصله آن تا بندر بوشهر، ۵۲ کیلومتر است...



- رک: کتاب‌های در تیمم جلال آل احمد، دریانوردی ایرانیان، اسماعیل راثین و خلیج فارس احمد اقتداری، به نقل از: نهضت ابوسعید گناوه‌ای، دکتر جعفر حمیدی، ص ۱۶۴.
۴۱. اهرم: مرکز تنگستان شمالی، یکی از شهرهای استان بوشهر.
۴۲. دراشکفت: (در لهجه بومی به ضم دال تلفظ می شده است). اشکفت به معنای شکاف و غار است. این ناحیه در ۵ کیلومتری شهر بوشهر واقع شده بود. زمینش، گلزار یا در اصطلاح محلی شلزار (شل درار) بوده که اهالی شهر، از گل یا شل آن برای اندود کردن بام ساختمان (به جای آسفالت) استفاده می کردند. این منطقه، هم اکنون در محدوده پایگاه هوایی بوشهر قرار گرفته است.
۴۳. میرزابابا از کارمندان و منشیان مبرز تجارتخانه مرحوم کازرونی بود که به زبان انگلیسی تسلط داشت و مکاتبات خارجی این تجارتخانه را انجام می داد.
۴۴. مرحوم کازرونی، علاوه بر پرداخت حقوق ماهیانه کارمندان و کارکنان تجارتخانه خود، با ادای پاداش‌ها، آسایش خانواده آنان را به طرق گوناگون فراهم می کرد.

منابع

- آدمیت، فریدون و هما ناطق، افکار اجتماعی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در آثار منتشر شده دوران قاجار، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۵.
- آراین پور، یحیی، از صبا تا نیما، انتشارات زوار، چاپ چهارم، ۱۳۷۲.
- اسنادی درباره هجوم روسیه و انگلیس به ایران، به کوشش محمد ترکمان، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وزارت امور خارجه تهران، ۱۳۷۰.
- حمیدی، سید جعفر، بوشهر در مطبوعات عصر قاجار (جنوب، حبل المتین، مظفری)، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- دشتی، دشتی، «نقش تجار در مدرسه سعادت»، مدرسه سعادت بوشهر از چند زاویه، به کوشش عبدالکریم مشایخی، نشر همسایه و مرکز بوشهرشناسی، ۱۳۷۷.
- دشتی، رضا، تاریخ اقتصادی اجتماعی بوشهر، انتشارات پازینه، تهران، ۱۳۸۱.
- دکتر حمیدی، فرهنگ‌نامه بوشهر، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
- رکن زاده آدمیت، محمدحسین، دلبران تنگستان، شرکت نسبی اقبال و شرکا، تهران، ۱۳۱۲ ش.
- رکن زاده آدمیت، محمدحسین، فارس و جنگ بین‌الملل، شرکت نسبی اقبال و شرکا، تهران، ۱۳۱۲ ش.
- صدرایی خویی، علی، «کتابخانه سید محمدشفیع کازرونی بوشهری»، کازرونیه (دفتر دوم)، تهران، نشر کازرونیه، ۱۳۸۳.
- فراشبندی، علی مراد، جنوب ایران در مبارزات ضد استعماری، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۵.
- فسایی، میرزا حسن، فارس‌نامه ناصری، به کوشش دکتر منصور رستگار، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷.
- مدرسه سعادت بوشهر از چند زاویه، به کوشش عبدالکریم مشایخی، نشر همسایه و مرکز بوشهرشناسی، ۱۳۷۷.
- مطهری زاده، موسی، جنبش ضد استعماری جنوب و آزادی خواهان کازرون، تهران، قو، ۱۳۷۸.



- معتضد، خسرو، حاج امین‌الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران، انتشارات جانزاده، تهران، ۱۳۶۶.

- میر، محمدتقی، پزشکان نامی پارس، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۴۸.

- یادواره علی‌تقی بهروزی، به کوشش سیمین بهروزی، شیراز، ۱۳۶۴.